

هیدگر، مارتین، ۱۹۷۶ - ۱۸۸۹ *Heidegger, Martin*

مفهوم زمان / مارتین هیدگر؛ ترجمه

نادر پورنقشبند / محمد رنجبر -- آبادان: وُرشش، ۱۳۸۴

۸۸ ص.

ISBN 964 - 6629 - 63 - 6

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی: *der Begriff der Zeit*

مستدرجات: زمان چیست از ارسطو ص. [۳۶ - ۴۱] -- مفهوم

زمان ص. [۳۷ - ۴۶] -- مفهوم زمان در علم تاریخ ص. [۶۷ - ۹۰] -

۱. زمان. ۳. فلسفه. ۴. ادبیات --

فلسفه. الف. پورنقشبند، نادر، ۱۳۴۹. مترجم

ب. رنجبر، محمد، ۱۳۳۶. مترجم. مترجم

ج. عنوان. د. عنوان: مفهوم زمان در علم تاریخ.

۱۹۳

BT۲۷۹ / ۵۲

۱۳۸۴

۳۶۰۸۳ - ۸۱ م

کتابخانه ملی ایران

مارتین ہایدگر
مفہوم زمان

ترجمہ

نادر پور نقشبند
محمد رنجبر



نشر پرسش

مارتین هاینکه

مفهوم زمان

ترجمه نادر پورنقشبند - محمدونجیر

حروفنگاری: نگار

نمونه خوانی: راحیل رنجبر

چاپ: چاپخانه ورامینی

شمارگان: ۵۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۴

شابک ۶ - ۶۳ - ۶۶۲۹ - ۹۶۴

ISBN: 964- 6629- 63- 6

قیمت: ۱۱۰۰ تومان

نشر پرسش - آبادان - پریم - میدان الفی - ساختمان اروند - تلفن ۳۳۳۵۰۲۵

نشانی مکاتبات پستی: نشر پرسش - اصفهان - صندوق پستی ۸۱۷۳۵ - ۳۱۶

E-mail: porsesh @ hotmail.com

فهرست مطالب

۷	یادداشت مترجم
۱۱	زمان چیستِ ارسطو
۳۷	مفهوم زمان
۶۳	پسگفتار ویراستار متن آلمانی
۶۷	«مفهوم زمان در علم تاریخ»
۹۱	نمایه

یادداشت

زمان باقی و فانی، فدای شاهد و ساقی
که سلطانی عالم را طفیل عشق می‌بینم
«حافظ»

۱. قریب هفت سال پیش به همراه دوست "نه ایرانی و نه آلمانی‌ام"^۱ نادر، متن "مفهوم زمان" را ترجمه کردیم. این سخنرانی را هایدگر در سال ۱۹۲۴ برای روحانیان ماربورگ ایراد کرده است. و این درست به هنگامی است که در حال نوشتن متن "وجود و زمان" به عنوان پایان نامه‌اش بود؛ اما هیچ اثری از این اثر در این سخنرانی نیست.

در پایان کار، به هنگام ترجمهٔ پسگفتار و راستار آلمانی پی به وجود متن دیگری از هایدگر بردیم که وجودش در کنار متن نخست بسیار ضروری و لازم می‌آمد. "مفهوم زمان در علم تاریخ" که در "مجموعه آثار هایدگر" مجلد ۱، آمده است و شما ترجمه‌اش را در اینجا می‌خوانید.

مقاله مذکور نخستین بار در ۲۷ جولای ۱۹۱۵ توسط هایدگر در دانشکدهٔ فلسفه دانشگاه فرایبورگ عرضه و در سال ۱۹۱۶ در مجلهٔ فلسفی فیخته، شمارهٔ ۱۶۱ به چاپ رسید.

۱. نادر از پدری ایرانی و از مادری آلمانی است، اما جالب آن است که خودش می‌گوید که در آلمان ایرانی‌ام می‌خوانند و در ایران، آلمانی‌ام پس نه اینجا می‌ام و نه آنجایی.

۲. در سطر سطر متن هیدگر، سخن از ارسطو و متن "زمان چیست" او وجود دارد، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، و فهم متن هیدگر بدون فهم "زمان چیست" ارسطو بسی گران می‌آید.

همین از این رو بود که وجود متن ارسطو بسیار ضروری و الزامی آمد. پس، از دوست ارجمندم حسین پایا مدیر انتشارات طرح نو درخواست کردم که اجازت دهند این متن را از مجموعه سه جلدی ارسطو که ترجمه و واثق محمد حسین لطفی است و انتشارات طرح نو آن منتشر ساخته بود، در این مجموعه بیاید و ایشان با گشاده‌رویی این درخواست را اجابت نمودند که سپاسگزار ایشانم. این متن را به جهت اهمیت در ابتدای کتاب آوردیم که خوانندگان آن را به دقت بخوانند و سپس به سراغ متن هیدگر بروند.

۳. این کتاب را نه بر سبیل تفنن و نه بر حسب کسکول‌سازی و یا مُد ترجمه کرده‌ایم؛ که برای فهم و درک و دردی است که از سرِ دردمندی؛ و این درد است که هر "لحظه" و هر "آن" و هر "دم" ما را به‌سویی روان است؛ که شاعر ما می‌گوید: نامدگان و رفتگان، از دو کرانهٔ زمان

سوی تو می‌دوند هان ای تو همیشه در میان

ما سرگشتگان دو کرانهٔ زمان و ما روندگان و ماندگان در جیت خویش در غفلت دورانی به‌سر می‌بریم که اقتدایش به کعبه‌ای است که خدایش طاغوت نفس امارهٔ بشر عصر کالی‌یوگا است. دوران و عصر و زمانی است که اسمش مظهریت قهر الهی است و ما را به حال خویش وا گذاشته است. و در این وادی ما به‌مدد خرد پتیارهٔ بشر جدید، روزگاری را رقم می‌زنیم که نه "وجود" و نه "زمان"، هیچ اصالت و حقیقتی را مظهر نیستند، و نه زمان زمان است و نه وجود وجود؛ بلکه موجود اصالت را دارد که یگانه آمال عصر مُدرن است. موجودی که قائم به خود و عقل‌نایافته از هستی‌بخشی است؛ که گویند: کی تواند که شود هستی‌بخش!

در این هنگامه چه باید کرد؟ باید به کدام سو رو کرد و به کدام زمان باید اقتدا

جُست؟ در هنگامه‌ای که چونان طوفان صحرای کویر که ماسه‌های کویری تمامی زمین و هوا را پوشانده است و چشم راهبر هیچ کجا نیست، چه توان کرد؟ جز ندا در دادن صاحب عصر و زمان، پناه به که باید برد؟ جز فراخواندن و یادآوری (ذکر Andenken) نام آنکه صاحب عصر و دو کرانه زمان و زمان حقیقی است، راهی هست؟! من که هیچ راهی نمی‌شناسم، اگر راه دیگری هست، ندا در دهید!

۴. و اما نمی‌توانم در اینجا از آموزگار تفکر معاصر و آموزگار تفکر پربروز و پسر فردایی، شبان وادی ایمن، "سید احمد فردید" یادی نکنم، همو که مصداق "پارسای تفکر" بود و هست، همو که تفکر و حکمتش آموخت و قدم به قدم راه رفتیم. همو که یاد و نامش تکریم حقیقت است و تفکر. تکریم کرامت است و انسانیت. تکریم جوانمردی است و گذشت. تکریم شاگرد و استادی است. تکریم و یادآوری شاهراهی است که عبور از عرض آن محال است. همو که سلسله جُنبان خودآگاهی تاریخی قوم ایرانی است، او که خار چشم ایلغارمنشان است، که خود خارند و سنگ تپیا خورده رنجور.

فردید در دلِ کویر زاده شد، اما چشمه‌های جوشانی در وجودش جاری گشت که: آنان که از او خبری داشتند، طور دیگر فکر و ذکر داشتند، و رای طور مذاهم همگانی، و رای طور برهوت‌نشینان بی ذکر و فکر و تمنانشینان وادی خوف. او شبان وادی ایمن بود، که گهی رسد به مراد.

والسلام.

محمد رنجبر